

رئیس بانک مرکزی در دولت حسن روحانی گفته است: متکی، وزیرخارجه اسبق، معاون میرعلی، رئیس موسسه ثامن الحجج بود. حالا معاون بین الملل آقای میرعلی می خواست چه کار کند من نمی دانم یک دفعه، دفتر من گفت که آقای دکتر متکی آمده‌اند ولی میرعلی هم با ایشان است؛ من به میرعلی وقت نمی‌دادم، چون کارهایی که به او گفته بودم را انجام نمی‌داد، آنجا فهمیدم که بله آقای متکی معاون ایشان است.

غیر محرمانه

افشای سبب دربارہ متکی

تأیثی، نماینده مجلس گفته است: قرار است دولت نرخ سوم بنزین را با ۵۰۰ درصد افزایش اعلام کند!! نماینده پر حاشیه چه هدفی را دنبال می‌کند و پالس چه چیزی را به چه کسانی می‌دهد؟ این ادعا در حالی مطرح می‌شود که دولت بارها اعلام کرده برنامه‌ای برای افزایش قیمت بنزین ندارد.

ادعای وزیر خارجه لهستان علیه ایران

وزیر خارجه لهستان با اتهام‌زنی علیه ایران مدعی شده است: ایران باید هدر دادن منابع خود را متوقف کند و به یک کشور عادی تبدیل شود. این به نفع خود ایران است که یک برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز را دنبال کند.

مدرک دانشگاه امام صادق (ع) مورد تأیید وزارت علوم نیست

فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها برای دریافت کد صحت مدرک باید به سایت وزارت علوم مراجعه و درخواست خود را ثبت کنند و معمولاً ظرف مدت یک هفته این کد تأیید صادر می‌شود اما اخیراً دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع) برای صدور کد صحت مدرک به سایت وزارت علوم مراجعه می‌کنند اما مدت‌هاست این کد برای دانشجویان دانشگاه امام صادق صادر نمی‌شود.

کرسنت با بیماری‌های سخت چه ارتباطی دارد؟

عبدالرضا داوری مشاور احمدی نژاد گفته است: یک پرسش کلیدی مدت‌هاست که ذهنم را درگیر خود کرده است چرا همه کسانی که به دنبال حل مسأله قرار داد کرسنت بودند، گرفتار بیماری‌های سخت و درمان ناپذیر شدند؛ از مرحوم علی کردان، تا مرحوم رستم قاسمی و مهندس سیدمهدی حسینی؟

سه مداح، در شهرداری تهران پست گرفتند

سینا جهانی روزنامه‌نگار گفته است: سه مداح، همزمان در شهرداری تهران پست اجرایی گرفتند! - علی عشتري؛ رئیس اداره رشد و تعالی مرکز نوسازی و تحول اداری، جواد سوری؛ رئیس امور اداری و رفاهی و - محسن مرادی؛ مدیر حوزه معاونت هماهنگی و پشتیبانی شده‌اند. در شهرداری زاگانی کدام غنایم؟ و چرا؟ در حال تقسیم بین مداحان است؟

علی برای سرگرمی برادر کوچک خود او را در کوچه می‌گرداند



دریچه

محمود دولت‌آبادی ناصر تقوایی را کارگردان دانا و موفقی می‌خواند و به دوره‌ای که از آن سربرآوردند اشاره کرده و می‌گوید: ما داریم تمام می‌شویم و حیف شد که شرایط اجازه نداد آدم‌هایی که در این دوره پدید آمده بودند با یکدیگر کار کنند. این نویسنده پیشکسوت در پی درگذشت ناصر تقوایی، فیلمساز مطرح کشورمان که تجربه داستان‌نویسی هم داشت، در گفت‌وگو با ایسنا بیان کرد: تقوایی هنرمند ارزنده‌ای بود. من داستان‌های او را خوانده بودم که دیدمش و با او درباره کتاب صحبت کردم. جوان بود و نوشته‌هایش تصویری بود و همین تصویری بودن او را به سمت سینما هدایت کرد و چه خوب شد که به سینما رفت. تقوایی کارگردان موفقی و دانایی بود. او سپس ادامه داد: بعد از ماجراهایی که در دوره قبل از انقلاب برایم پیش آمد و کارم به بازداشت کشیده شد، روابط ما کم و بعد قطع شد، البته ارتباط‌مان زیاد هم نبود. بعد از انقلاب هم گه‌گاه همدیگر را دیدیم، یک‌بار اتفاقاً او

یادکرد دولت‌آبادی از تقوایی

ما داریم تمام می‌شویم!

دولت‌آبادی خاطرنشان کرد: به‌نظرم تقوایی ظرفیت‌های بیشتری داشت ولی متأسفانه شرایط اجتماعی ما در این سال‌ها و موانع که بیشتر متوجه دوستان سینمایی است مانند سانسور در مراحل مختلف، به نحوی آقای تقوایی را کنار زد. او هم که از نظر تن و توش بنیه زیادی نداشت. بنابراین تیاهی یک شخصیت هنری مانند ناصر تقوایی از ۲۰ سال پیش شروع شد. من هم گمابیش در جریان احوالش بودم. او سپس با اشاره به دیدارهای آگاه‌گاه خود با تقوایی گفت: یکی دویار هم او را دیدم و به خانه رساندمش و یک‌بار درباره رودکی صحبت کردیم. ایشان گفت با هم درباره رودکی کار کنیم. گفتم من اهل تحقیق نیستم. بحث بر این بود که زبان رودکی نمی‌تواند ناگهانی متولد شده باشد. این نویسنده مطرح تأکید کرد: تقوایی شخصیت

دانایی بود، آگاه بود. بسیار باهوش بود. سربال «دایی جان ناپلئون» مصداقی همیشگی کارهایی که انجام داد به‌گونه‌ای نبود که آدم بتواند خرده‌ای به او بگیرد. خیلی واقع‌بین بود. همیشه به او علاقه داشتم و به او احترام

می‌گذاشتم. الان هم همین‌طور. محمود دولت‌آبادی در ادامه گفت‌وگو با ایسنا درباره اینکه ناصر تقوایی می‌خواست فیلمی از زمان «جای خالی سلوچ» او بسازد گفت: به من گفت طرح «جای خالی سلوچ» را بنویس و به من بده تا برای ساختن آن فکر کنم. گفتم: ناصر من می‌نویسم ولی تو نمی‌توانی این کار را بکنی، برای اینکه دشوار است. قسمت‌هایی که عباس با شتر کار دارد، سنگین است. ولی نوشته‌ش و طرح را به او دادم. البته انجام نگرفت. به هر حال دیگر نپرسیدم چرا انجام نگرفت. متأسفانه نشد. اگر توانایی‌اش را می‌داشت در زمانی که نیرو داشت، بهترین کارگردان برای ساختن این اثر بود. به‌هرحال طرح موجود است و «مرضیه» (وفامهر، همسر ناصر تقوایی) می‌تواند آن را در آرشيو تقوایی پیدا کند زیرا آن را از تقوایی نگرفتم.

بهمن هاشمی:

مظفري جزواستثناهای دوبله ایران بود

این مدیر دوبلاژ تأکید کرد: مظفري جز صداهایی بود که کیفیت او در ۵۰ سال تغییری نکرد و همچون پسری ۲۰ ساله سخن می‌گفت. هاشمی عنوان کرد: مظفري برای جوانان خیلی وقت می‌گذاشت و صبور بود. او از هنرمندان اهل خانواده بود و یک دختر داشت. وی گفت: در ۲۵ سال همکاری جز مهر و شکیبایی از مظفري ندیدم. دقت بسیاری در تنظیم دیالوگ‌ها برای دوبله فیلم داشت. در جایی که تکنولوژی کیفیت دوبله را کاهش داده صدای مظفري زاده کیفیتش را نگه داشته بود. درگذشت سعید مظفري را به خانواده‌اش و اهالی فرهنگ و هنر تسلیت می‌گویم و برای خانواده‌اش طلب صبر دارم. سعید مظفري از دوبلوهرای پیشکسوت شامگاه سه شنبه ۲۲ مهر در ۸۳ سالگی درگذشت.

دعوت مستند سازان ایرانی به جشنواره ایدفا ۲۰۲۵

به عنوان محصول مشترک ایران، اتریش، آلمان و فرانسه هم آمده است: در تهران، خواهران محیا و زهرا به عنوان دختران جوان بی‌خیال بزرگ می‌شوند: در زمین‌های بازی تاب می‌خورند، غروسک بازی می‌کنند، شیطننت می‌کنند. اما محدودیت‌های فراوان جامعه به تدریج از طریق خانواده سنتی‌شان وارد زندگی آنها می‌شود و... همچنین مستند «۲۲ متر» ساخته علیرضا اتابکی در بخش (Luminous) و «گذشته آینده استمراری» ساخته مرتضی احمدوند و فیروزه خسروانی در بخش رقابتی (Envision) این رویداد معتبر سینمایی حضور دارند و طبق اعلام پیشین «جان که می‌دادم» ساخته محمدرضا فرزاد و بگاه آهنگرانی، مستند بلند «اوزاک یوللر» ساخته سارا خاکی و محمدرضا عینی، «نقطه گریز» ساخته بنی خوشنود، مستند «همشهری» ساخته عباس کیارستمی در ایدفا ۲۵ به نمایش گذاشته می‌شوند.

سی و هشتمین جشنواره بین‌المللی مستند آمستردام (ایدفا) از ۲۲ آبان تا ۲۳ آذر (۱۳ تا ۲۳ نوامبر) در هلند برگزار خواهد شد.

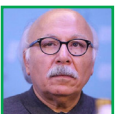
در خلاصه داستان مستند «همه خواهران من» هم

نشانی اینترنتی: www.armanmeli.ir

آیین نامه اخلاق حرفه‌ای روزنامه آرمان ملی را در سایت بخوانید

یادداشت

تقوایی، دانایی سینمایی و رسانه



علیرضا داودنژاد

نویسنده و کارگردان

او (ناصر تقوایی) گفت سینما در ایران دوباره اختراع شده است؛ راست گفت. گذشته از روزگار شستن نگاتیف در لگن و چاپ پورتیو در تشت؛ مثلاً ساموئل خاچیکیان سینما را از فتو رمان جدا کرد و با لنز، زاویه، قاب بندی، نور، تعلیق، تدوین، ریتم، موسیقی، ساختار و صداگذاری و میکس چیزی به‌نام دانایی صوتی تصویری را که متفاوت از نوع دانایی نوشتاری ست در ایران سرو سامان داد.

تقوایی این دانایی را که با عکاسی تجربه آن را آغاز کرده بود به رویت پذیرکردن بوم، سرزمین، مردمان آن بدل کرد. سرزمینی که عاشقانه دوستش داشت، صادقانه با مردمانش سخن می‌گفت و دغدغه غنا بخشیدن به دانایی سینمایی در میان آنها را داشت.

او همچون کیمیای، آثار گسترش آنتن‌های تلویزیونی را در سراسر کشور در می‌یافت و نفوذ سربال‌های وارداتی را در اشغال تمدنی می‌فهمید و لزوم داشتن یک منظومه هنری رسانه‌ای فراگیر و اثرگذار ملی را برای ایران ضروری می‌دانست.

او بیش از هر کس دیگری می‌دانست که بومی کردن دانایی سینمایی در ایران جز با ارتقا استانداردهای صوتی تصویری در رسانه ملی ممکن نمی‌شود و تولید و ارائه سربال‌هایی در ایران که با محصولات وارداتی رقابت پذیر باشند، نه فقط موفقیت در رقابت با محصولات وارداتی بلکه موجب ارتقای سلیقه عمومی و اعتلای مطالبات اجتماعی و خواه ناخواه ایجاد کشایش در فضای سیاسی و اجتماعی خواهد شد.

سربال «دایی جان ناپلئون» مصداقی همیشگی از همکاری، هنر و رسانه است؛ الگویی که بر دوگانه هنر و رسانه غلبه کرد و همچون «قیصر» کیمیایی که به دوگانه هنر و تجارت در سینما پایان داده بود، معلوم شد که ملت ایران در دانایی سینمایی و رقابت پذیری با محصولات وارداتی چیزی کم ندارد و برای ایجاد یک منظومه هنری رسانه‌ای فراگیر، اثرگذار و رقابت پذیر- با رقبای منطقه‌ای و حریفان جهانی - آماده است، آمادگی معلقی که از حریفان دوران، کماکان در انتظار پا گذاشتن بر روی زمین باقی مانده است.

تقوایی می‌گفت فرهنگ یعنی سلیقه. او در کمال گرایي به نگارش فیلمنامه «انسان کامل» رسید که آرزوی ساختن آن را داشت و با ملاحظه آنچه در متن سینما می‌گذشت و بیشتر عرصه تاخت وتاز تجارت، تبلیغات بود، از ساختن آن ناامید شد و بیکاری، انزوا، سکوت، فرسودگی را به سرو کله زدن با انحصارات مالی و سیاسی ترجیح داد.

او نمونه هنرمندی ست که با زخم‌های خود ساخت و احترام خود را به عنوان فردی انسانی حفظ کرد و تحت هیچ گونه فشاری از سلوک هنری خود دست نکشید، حتی اگر به نساختن فیلم منجر شد. «ناخدا خورشید» اینک دو زانو برکف لنج نشسته و در غروب حماسی دریا خنجر را از سینه خود بیرون می‌کشد ...

منبع: ایسنا

اکران

«یوز، بالاتر از کمندی‌ها به صدر رسید

فیلم سینمایی «کج‌پيله» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی هانف علیمردانی، «سالان ۴» به کارگردانی حسین ترک‌جوش و تهیه‌کنندگی روح... مجازی و «ملکه الیسون»: به کارگردانی ابراهیم نورآور محمد اکران خود را در سینماها آغاز کرده‌اند. لازم به یادآوری است که در چند روز اخیر ویدئویی از بازی الناز شاکردوست با گریم مردانه در فیلم «کج‌پيله» منتشر شده که حواشی و واکنش‌های مختلفی به همراه داشته است. همچنین اکران فیلم سینمایی «پیرپرس» در سینماها به اتمام رسید. این فیلم از ۲۱ خرداد اکران خود را در سینماها آغاز کرد و با فروش ۲ میلیون و ۲۱ هزار و ۴۰۰ بلیت به فروش یکصد و هشتاد و یک میلیارد و پانصد و هشت میلیون و هشتصد و هشتاد و هفت هزار و سیصد و پنجاه و سه تومانی دست یافت و پرفروش‌ترین فیلم سال ۱۴۰۴ شد. باکس اکران در هفته گذشته توانست در ۲۱ هزار و ۵ سانس حدود ۶۲۴ هزار و ۱۱۳ مخاطب را به سینما آورد و به فروشی معادل ۴۷ میلیارد و هشتصد و هفتاد و یک میلیون و یکصد و هفتاد و سه هزار و سیصد و دو تومان دست یابد. فروش کل فیلم‌ها به شرح زیر است: انیمیشن سینمایی «یوز» ۴۹ هزار و ۷۷۲ بلیت فروخت و توانست به فروش ۱۲ میلیارد و ششصد و چهل و چهار میلیون و ششصد و چهارصد هزار و نهصد و هفتاد و چهار تومانی دست یابد. فیلم سینمایی «قسلطنیه» با فروش ۱۵۱ هزار و ۱۱۴ بلیت به فروش ۱۲ میلیارد و دویست و هشتاد و نه میلیون و چهارصد و پانزده هزار و چهارصد و هفتاد و هفت تومان دست یافت و در رتبه دوم جدول فروش هفتگی قرار گرفت. فیلم «مرد عینکی» با فروش ۷۶ هزار و ۷۲۴ بلیت توانست به فروش ۶ میلیارد و یکصد و چهل و هشت میلیون و ششصد و شصت و پنج هزار و ششصد و نود و هفت تومانی دست یابد و در رتبه سوم جدول فروش هفتگی قرار بگیرد.